

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

تشریح خدمات هلال احمر در جشن بهار انجمن زنان دیپلمات وزارت خارجه

خدمات هلال احمر در سیل فروردین ماه و همچنین مبادی جمع آوری کمک به سیل زدگان ایران در جشن بهار انجمن زنان دیپلمات وزارت امور خارجه تشریح شد. در جشن بهار انجمن زنان دیپلمات وزارت امور خارجه که با حضور همسران سفیرای مقیم و همسران مقامات کشوری برگزار شد، خدمات هلال احمر در سیل و آبگرفتگی گسترده فروردین ماه در ۲۰ استان کشور تشریح شد. همچنین در این نشست فرهنگی باهدف جذب همبازی همسران سفیرای مقیم ایران، مبادی کمک به سیل زدگان از طریق هلال احمر اعلام شد. لازم به ذکر است جشن بهار انجمن زنان دیپلمات وزارت امور خارجه بهار هر سال به ریاست همسر وزیر امور خارجه و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش بین الملل، برگزار می‌شود.

داوطلبی

پایگاه مهربانی حاج علی آقا



علی رضایی سابقه عضویت: ۱۷ سال

حاج علی رضایی در خانواده هلال احمر شهرستان الیگودرز، چهاره‌ای شناخته شده است. خیر نیکان‌دیشی که ۱۷ سال است شانه به‌شانه امدادگران، داوطلبان و اعضای هلال احمر الیگودرز بی‌وقفه برای خدمت‌رسانی به اقشار نیازمند این شهر تلاش می‌کند. فعالیت‌های خدایسندانه‌ای چون تهیه تجهیزات برای ۳۰ زوج نیازمند و زیر پوشش قرار دادن ۱۵۰ خانواده کم‌بضاعت شهر، تهیه و ارسال اقلام مورد نیاز خانواده‌های سیل زده پلدختر و فعالیت مستمر در طرح همای رحمت هلال احمر، حاج علی آقا را به داوطلب محبوب این شهرستان تبدیل کرده است.

حاج علی رضایی اما چندان اهل تعریف کردن از کارهای خیرش نیست اما ماجرای ساختن پایگاه امداد و نجات بین شهری حاج خداکرم رضایی برایش فرق دارد.

پایگاهی که اگرچه چند سالی از ساخت آن می‌گذرد اما اثرگذاری این پایگاه امداد و نجات در عملیات‌های امدادی، به قبول خودش او را برای ادامه فعالیت با خانواده هلال احمر ترغیب می‌کند.

رضایی قصه ساخت این پایگاه را برای مان تعریف می‌کند: «چند سال پیش بود که از سفر مشهد بر می‌گشتم. ساعت یک بامداد بود و تمام گردنه پر از برف و کولاک. هوا بشدت سرد شده بود و طوفان هم هر لحظه بیشتر می‌شد. آنقدر که دیگر امیدی به رسیدن نیروهای امدادی نداشتم. ناگهان خودروی هلال احمر در تاریکی شب از راه رسید. امدادگران در آن سرمای استخوان‌سوز پای کار بودند و من و خانواده‌ام را به پایگاهی که فاصله زیادی از گردنه داشت بردند.

آن شب تا صبح به گفت‌وگو با امدادگران و عملیات‌های فداکارانه‌شان گذشت. میان درد دل‌هایشان شنیدم در مسیر ۷۰ کیلومتری محله‌ها تا الیگودرز هیچ پایگاه امدادی وجود ندارد. مسیری که زمستان‌ها برف و کولاک سنگین دارد و در دیگر ایام سال هم تصادفات جاده‌ای زیادی در آن رخ می‌دهد. آنجا بود که نیت کردم پایگاهی برای این امدادگران دلسوز بسازم تا در سریع‌ترین زمان ممکن بتوانند به کمک مردم بروند.

رضایی مکتبی می‌کند و ادامه می‌دهد: «زمین پایگاه را هلال احمر تأمین کرد و من هم صفر تا صد ساخت پایگاه را برعهده گرفتم. ۵ ماه بعد با هزینه ۵۳ میلیون تومان توانستم پایگاه را تحویل هلال احمر بدهم. حالا همان پایگاه، عملیات‌های موفق بسیاری دارد و توانسته با فداکاری امدادگران شجاعش افراد در راه مانده زیادی را نجات دهد.»

رضایی اما برای امدادگران پایگاه، مثل پدری مهربان است و هنوز هم مثل همان شب اول آشنایی با آنها، گاهی مهمان پایگاه گرم و صمیمی‌شان می‌شود: «لذت‌بخش‌ترین کار برایم نشستن کنار امدادگران و گوش کردن به خاطرات امدادی و درد دل‌های آنهاست. گاهی که دل‌تنگ می‌شوم، سراغ‌شان می‌روم و از عملیات‌های امدادی‌شان می‌پرسم. وقتی می‌گویند توانسته‌اند در همین جاده جان مسافران را نجات دهند انگار به آرزویم از پوشیدن لباس داوطلبی هلال احمر رسیده‌ام.»



سنگ صبور حاشیه نشین‌ها

بانوی امدادگر کوهدشتی خودش را وقف رسیدگی به محرومان حاشیه شهر کرده است

سر نوشت هر بانوی محروم و نیازمند حاشیه شهر برای اودغدغه‌ای بزرگ است. نشستن پای در دل‌های بانوان سرپرست خانوار و بدسرپرستی که در تأمین هزینه‌های معاش خانواده در مانده‌اند و نیز آشنایی با خیران شهر از او داوطلب توانمندی ساخته که دست بسیاری از بانوان نیازمند کوهدشت را گرفته است. زینب نوری فرد برای بانوان نیازمند حاشیه شهر کوهدشت یک دوست مهربان و دلسوز است و برای کودکان محروم این مناطق نیز مربی فداکاری می‌کند. در ادامه با این بانوی داوطلب کوهدشتی گفت‌وگو کرده ایم. کسی که با کمک «مؤسسه خیریه به بانو» برای بیش از ۱۵ بانوی سرپرست خانوار شهر کار آفرینی کرده و بیماران نیازمند روستاهای محروم دور افتاده کوهدشت نیز به تلاش‌های او برای برقراری کاروان‌های سلامت در روستای کوچک‌شان چشم امید دارند.

مرهم در زنان سرپرست خانوار

قصه زندگی همه‌شان را می‌دانند. از مادری که سال‌هاست برای فرزندانش هم مادر بوده و هم پدر، تا مادر سرپرست خانواری که برای تأمین هزینه‌های بیماری فرزندش نیاز به کمک خیران دارد. زینب نوری فرد اگرچه سن و سالی ندارد اما برای او که از نوجوانی لباس هلال احمر را به تن کرده است، نشستن پای در دل بانوان نیازمند شهرش به فعالیت روزانه تبدیل شده است. داوطلب برتر شهرستان کوهدشت مدت‌هاست که به‌عنوان مسئول آموزش مؤسسه خیریه به بانوی کوهدشت برای شناسایی بانوان بدسرپرست و سرپرست خانوار حاشیه شهر داوطلب شده است. خودش می‌گوید: «مؤسسه خیریه به بانوی یک مرکز خیریه مردمی است که با کمک خیران اداره می‌شود. هدف اصلی این مؤسسه شناسایی و کمک‌رسانی به اقشار محروم و به‌ویژه بانوان بدسرپرست است و من هم از آنجایی که به‌عنوان یک داوطلب هلال احمر دوره‌های تسلی‌آوری برای بانوان را گذرانده‌ام مسئولیت شناسایی این بانوان را برعهده دارم. در طول ۳ سال گذشته ۵۰ بانوی سرپرست خانوار و بدسرپرست حاشیه شهر را با سرزدن به محل زندگی‌شان شناسایی کرده‌ام تا امروز توانسته‌ام برای بسیاری از آنها اشتغالزایی و کاریابی کنیم.» نوری فرد از میانه‌های خطرناک بسیاری که از بهبود وضعیت زندگی بانوان محروم شهرش در خاطر دارد، ماجرای زنی را تعریف می‌کند که با کمک‌های او و خیران اکنون به کارآفرینی موفق در حاشیه شهر تبدیل شده است: «مثل همیشه برای شناسایی بانوان نیازمند حاشیه شهر به منطقه تازه‌آباد کوهدشت رفته بودم. مقدم خانه‌ای بود که چند کودک قد و نیم‌قد در آن زندگی می‌کردند اما سایه اعتماد پدر، سرخوشی کودکانه را از آنها گرفته بود. وارد خانه که شدم خبری از اسباب و اثاثیه ضروری نبود. مادری که دیگر توان تحمل شرایط را نداشت و کم‌مانده بود که زندگی برای بچه‌ها از این هم سخت‌تر شود. فهمیدم مادرشان مدرک خیاطی دارد. موضوع را با خیران در میان گذاشتم و کمی بعد برایش لوازم خیاطی تهیه کردیم. یکی دو سال از آن روز تلخ می‌گذرد اما حالا همان بانوی بدسرپرست با کمک خیران کارگاه خیاطی کوچکی دارد و برای چند بانوی سرپرست خانوار دیگر هم کارآفرینی کرده است.»

به‌خاطر کودکان محله‌های محروم

بانوان محروم و اقشار نیازمند محله‌های تازه‌آباد و گذار پهن کوهدشت بانوی داوطلب هلال احمری را خوب می‌شناسند. کسی که برای برقراری دوره‌های آموزشی مانور زلزله و ایمنی و آموزش مباحث کمک‌های اولیه به دانش‌آموزان مدارس برای آنها کم‌نگذاشته است. نوری فرد سال‌هاست هم به‌عنوان مربی و هم به‌عنوان مسئول خانه داوطلبان شهرستان کوهدشت مربیان بسیاری را برای برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف به حاشیه شهر می‌برد تا اهالی این محله‌های کم‌خوردار در هنگام مواجهه با خطرات و حوادث مختلف آماده‌باشند. او می‌گوید: «محله‌های حاشیه شهر همیشه امکانات کمتری دارند. از امکانات رفاهی تا امکانات درمانی که اهمیت زیادی دارد. برای همین تصمیم گرفتم در حوزه‌های تخصصی خودم به‌عنوان مربی در کنار این مردم باشم و در دیگر حوزه‌ها هم مربیان و داوطلبان دیگر هلال احمر را با خودم همراه کنم.» نوری فرد خاطره‌ای از تأثیر آموزش‌هایش در نواحی محروم شهر می‌گوید: «در حاشیه شهر کوهدشت مرکز درمانی وجود ندارد و اگر حادثه‌ای برای فردی رخ دهد انتقال او به مرکز شهر زمان زیادی می‌برد. برای همین آموزش کمک‌های اولیه را در اولویت قرار دادیم. درست بعد از برگزاری جلسات آموزش مانورهای کمک‌های اولیه برای بانوان محله گذار پهن بود که از زبان یکی از مادران شنیدم فرزندش را از مرگ نجات داده است. می‌گفت لقمه غذا در گلوئی فرزند خردسالش گیر کرده و چشم‌هایش از خنده بیرون زده بود. اضطراب وجود همه افرادی که در صحنه حاضر بودند را فراتر گرفته بود. همه دستپاچه شده بودند اما او با آموزش‌هایی که چند روز پیش دیده بود توانست با اجرای مانورهای آموزشی‌های کمک‌های اولیه پسر خردسالش را از مرگ نجات دهد. وقتی برای بازدید از خانه یکی از همسایه‌هایش رفته بودم و باانشک‌های از سرخوشش روبه‌رو شدم انگار در آن لحظه تمام دنیا را به من داده بودند.»

امیدبیماران روستایی

بانوی داوطلب کوهدشتی که سه دوره به‌عنوان داوطلب برتر این شهر برگزیده شده، برای کمک به اقشار محروم شهرش خستگی نمی‌شناسد. آخر هفته‌ها به دل راه‌های صعب‌العبور نواحی روستایی کوهدشت می‌زند تا نیازها و مشکلات روستائینان کوهدشتی را نیز شناسایی کند. اهالی روستاهای دهستان اولاد قباد حلال‌دیگر زینب نوری فرد را به‌عنوان عضوی از روستای کوچک‌شان می‌شناسند. کسی که داوطلب شده تا لیخند را به لب بیماران روستایی برگرداند. نوری فرد از فعالیت‌های داوطلبانه‌اش برای برقراری کاروان‌های سلامت و شناسایی بیماران می‌گوید: «کوهدشت روستاهایی دارد که گاهی حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرکز شهر و نخستین مرکز درمانی فاصله دارند. در این روستاها مادران باردار و کودکانی هستند که لازم است به‌موقع از حال‌شان باخبر شویم و برای کمک‌رسانی به آنها آماده‌باشیم. برای همین مسئولیت سرزدن به روستاها و برقراری کاروان‌های سلامت در این مناطق را به‌عهده گرفتیم تا بتوانیم شانه به شانه پزشکان و پرستاران داوطلب کمک حال بیماران روستایی باشیم.» حرف‌ها که به اینجایی‌رسد بانوی داوطلب کوهدشتی خاطره‌ای از این‌ها می‌گوید: «مثل همیشه چند روز زودتر برای بررسی نیازهای درمانی اهالی یکی از روستاهای دهستان اولاد قباد راهی آن روستا شده بودم تا شرایط را برای اعزام پزشکان و پرستاران داوطلب آماده کنم. وقتی همراه تیم پزشکی به روستا رسیدیم، نگاهم به زن جوانی افتاد که فرزندش را در آغوش گرفته بود و به سمت ما می‌دوید. دختر خردسالش در تب شدید می‌سوخت و کاری از دستش ساخته نبود. فاصله روستا تا شهر زیاد بود و تمام روز گذشته ارم آنها وسیله نقلیه‌ای برای انتقال کودک به شهر نداشتند. تیم درمانی اما به‌موقع رسیده بود. با کمک پزشک و پرستاران چند ساعت بعد تب دخترش فروکش کرد. وقتی دخترک روی تخت شروع کرد به حرف زدن مادرش، من را در آغوش گرفت. آن روز انگار تمام خستگی‌های چندوقته‌ای‌ام را در آن مسافت طولانی تا روستاهای اطراف از تنم بیرون شد.»

نجات جان زوج گردشگر خارجی



زینب نوری فرد علاوه بر فعالیت‌های خیریه‌اش به‌عنوان مسئول آموزش مؤسسه به بانو و خدماتش به‌عنوان مسئول خانه داوطلبان کوهدشت، دبیر باشگاه امداد و نجات این شهرستان است و تنها امدادگر این شهر با درجه نجات‌گیر یکم نیز محسوب می‌شود. او خاطرات زیادی هم از حضور در عملیات‌های امداد و نجات به‌عنوان یک امدادگر دارد. نوری فرد ماجرای پیدا کردن یک زوج توریست گمشده در منطقه گردشگری تنگه شیریز کوهدشت را این‌طور برایش تعریف می‌کند: «منطقه گردشگری تنگه شیریز کوهدشت در بیشتر فصول سال پذیرای گردشگران است. اما گاهی برخی از گردشگران نا آشنا به منطقه مسیر بازگشت را گم کرده و حادثه آفرین می‌شوند. آن روز خبر رسید که یک زوج گردشگر خارجی در تنگه شیریز گم شده‌اند. صبح زود بود که تیم امدادی برای پیدا کردن این زوج به منطقه اعزام شد و من هم با توجه به علاقه‌ام به عملیات‌های امداد و نجات در منطقه حضور داشتم. با کمک یکی از افراد محلی کار جست‌وجو را آغاز کرده و منطقه را زیر

پوشش قرار دادیم. وقتی به آنها رسیدیم از اینکه راه را گم کرده بودند بسیار وحشت زده بودند و از طرفی انتظار نداشتند نیروی امدادی به این زودی به آنها رسیده باشد. زن جوان در میان قدر دانی‌هایش می‌گفت این کار هلال احمر ایران را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند. جمله‌ای که به همه ما برای ادامه کار انگیزه داد.»